باتوجه به اینکه شرح وتبیین لغات و اصطلاحات بیان امر ساده وآسانی نبوده و جز منزل آن و مرایای مقدسه متجلی شده از شمس جود او حلّ این مشکل نتواند نمود لیکن بقدریکه خود خواننده گان گرام هم از توجه بخود این کتاب مقدس وتتبع در آیات منزله آن عالم بآن خواهند شد برای سهولت آشنایی کسانیکه بدواً بدون سابقه مراجعه مینمایند با ذکر ابواب که دو عدد جلو هر قسمت اولی اشاره به بابها و دومی اشاره بواحدها است آنچه میسر شده به ردیف ابواب که پیدا کرده انهم آسان باشد ذیلاً تذکر داده می شود .

لغات و اصطلاحات

مقدمه توحیدیه

ابواب هدی	شیعیان کامل که واسطه بین ائمه و مادون هستند
اثبات	اشاره به الا الله و مؤمن به بیان
اثبات اثبات	ایمان و اطاعت مجلّی حقیقت و دستورات او
اثمی	گناهی
ارث نبرد از میّت به	برای تعیین سهام ورثه رجوع شود به باب سوم از واحد دهم
ارض اسم باسط	اشاره به ماکو واقع در آذربایجان غربی بالای رضائیه از محال کردستان است زیرا عدد حروف هر دو هفتاد و دو می شود
ارض باء	بار فروش - بابل امروز
ارض صاد	اصفهان

ارض عین	عراق
ارض فاء	فارس
ارض فاء	فارس
ارض فارس را دارالعلم می گویند	سابقا برای شهرها وصفی ذکر نموده و روی سکه های زده شده در همان شهر هم ذکر می شد چنانکه فارس را دارالعلم وتهران را دارالخلافه وکرمان را دار الامان می گفتند
ارواح کینونیات به آن متکون می شود	ارواح هستی ها به آن هست می شود
اسم باطن باطن	شاید اشاره به شیخ احمد احسائی یا به مقام بابیت خود حضرت باشد
اسم رابع	کلمه اقدس که چهارم کلمه بسم الله الامنع الاقدس واقع شده وامنع اسم سوم و الله اسم دوّم وبسم اسم اوّل وکنایه از چهار مرتبه ایمانست که هر مرتبه پائین از مرتبه بالا مدد می گیرد
اسماء ابواب اربعه	چهار نفرنائب خاص در غیبت صغری که عثمان ابن سعید وپسرش محمد ابن عثمان وشیخ ابو القاسم حسین ابن روح وعلی ابن محمد سیمری بوده اند
اسماء سته	فرد حیّ قیوم حکم عدل قدوس است که حروف آن در رابع نوشته می شود
اَسنان	اَضراس = دندانها
اشد الم از هرذا المی	سخت تر درد از هر دردمندی
اطلاق عبائر	تعبیرها وتفسیرهای روان
اغترار	فریب خوردن به طمع باطل افتادن
افک	دروغگو
افکهائی	دروغ هائی
اقتران	ازدواج

اکدار : کدورت	ناراحتی
اکنات	کری
اکوان	جمع کون به معنی هستی ها
اماء	کنیزان
امواه	آبها
انجاز	برآورده ساختن
انقطاع	صیغه گرفتن که ازدواج برای مدت معین بوده نهی شده
انوال	نعمتها
انهار خمسه	آیات و مناجات و خطب وتفاسیر و صور علمیه با شئون علمیّه و اینکه در جمله بعد به جای خطب و صور علمیّه کلمات و کلمات فارسیه یا به نوعی که در باب بعد است ذکر شده با تتبع در بیان معلوم می شود اختلاف ندارد و مراجعه به کتاب بزرگ چهارشأن و کتاب پنج شأن نظر دقیق را وسعت می دهد
انیّت	هستی صوری و مادّی
اوثان	بت ها
اوراد جمع ورد	ذکر
اوعیة	ظرفها
اوفیٰ درجات	درجات اعلی
اول وثانی وثالث و	اشاره به پنج حرف نفی و خلفا است
اولوالافئده	صاحبان فؤآد و اشاره به مرتبه اعلای ایمان است
اولی الدوائر	صاحبان دوائر چون دایره برای زنان مقرر داشته اشاره به زنان است
اولی القدره از میم	صاحبان قدرت از ملوک و سلاطین
اولی الهیاکل	صاحبان هیکل و به تناسب اینکه هیکل را برای مردان مقرر داشته اشاره به مردان است

ایتاء	دادن
ایَمان	راستها
ایُمان	راست (جهت)
بئر	چاه
الباب : جمع لُب	مغز کلام
باب الله	اول مقامی است که خود حضرت اظهار نموده تا چهار سال
بأساء و ضرآء	سختی ها
بحت : خالص	بسیط
بدء و عود	(آغاز و برگشت) هر ظهور کلّی بدء ظهور بعد و عود ظهور قبل می باشد
بدء و عود قرآن در اسم اغفر شد به نقص عدد	اغفر یکهزار و دویست و هشتاد و یک و با کم کردن عدد هو که یازده است یکهزار و دویست و هفتاد باقی می ماند که سالهای فاصله از بعثت محمّد ص تا ظهور نقطه بیان است
براری	بیابان ها
برکن ثانی که محّل حمد باشد	حمد مرتبه پس از تسبیح و دوم می شود که با دقت در همین باب ظاهر است منظور مقام مرآتیت است
بعث	برانگیختن نفوس ظهور پیش در ظهور بعد
بعد از آنکه شیئ به بهاء صد مثقال طلا رسید نوزده مثقال به حروف واحد و یک مثقال	که صدی، بیست می شود که یک پنجم است. ظاهراً در این باب نصاب خمس و مصارف آنرا بیان فرموده
بعوضه	پشّه
بقاع الواحد	قبه های نقطه و حروف حیّ او

بکاء	گریه
به ایمان به حروف	اشاره به سه نفر مؤمن اوّل که مقابل بسم می شود
بهاء تسعة عشر حمّص من الذهب عشر الف دینار و من الفضه الف	سکّه نقره در آنزمان وزنش پست و هشت نخود و به ارزش هزار دینار و سکه طلا پست نخود و بارزش ده هزاد دینار بوده در بیان قینت سکه نوزده نخودی طلا ده هزار دینار و نقره هزار دینار مقرر شده که از حیث ارزش همان یک دهم طلا است و با رسیدن به نصاب هر یک پانصد و چهل مثقال کامل صدی پنج ظاهراً مالیات مقرر فرموده
بیت حرّ	حمام —گرمابه
پنج واحد	پنج نوزده تا که نود و پنج و بعدد حروف الله می شود
تا چهل روز غیر از حرف سین مؤمن به باء	سین حرف دوم بسم الله و مراد جناب باب الباب است و باء حرف اوّل بسم الله و مراد خود حضرت است.
تجالس	با هم نشستن
تذهیب	با طلا زینت نمودن
تشعبون	شعبه شعبه، بخش بخش کردن
تکوین	هستی دادن
تلامذه مرحوم سیّد	استفاده کنندگان از محضر سیّد کاظم رشتی که او و شیخ احمد احسائی را نقطه بیان با بین المتقدمین خوانده
تلقآء : حضور	برابر

ثانی من آمن بالنقطه بعد از سین	چون حروف بسم الله نوزده می باشد ظاهراینکه باء را تفصیل نقطه گرفته و سین را اول من آمن ومقام محمدی و میم بعد از سین را مقام علوی و دوم مؤمن از رتبه ایمانی حساب فرموده که در باب پانزده از واحد اول هم اشاره فرموده نقطه بیان در اول ذکرشد و نقطه فرقان درثانی پس مقام علوی سوم حرف می شود و برای اینکه باء تفصیل نقطه است رجوع شود به باب هشتم از واحد سوم به جمله چنانچه در بدء کل از نقطه طالع شده و کل بیان تفصیل نقطه و ظهوراو در مرایا...
جباب	جمع جبه به معنی رودها
جسد ذاتی	هستی که در جسد عرضی و هیکل صوری پنهان است
جسد عرضی	بدن عنصری و هیکل صوری
جنت خامس	اشاره به حضرت حسین
جنت سین	اشاره به حرف آخراز بسم الله الامنع الاقدس
جواد و وهاب	هردو از حیث حساب ابجدی چهاده می باشد
جوهرکلّ وجود	اشاره به اول کسی که مؤمن شده است
حدباب	مقام بابیت که حسب آثار تا چهار سال پیش از آنرا اظهار نفرموده و برای اینکه در همین مقام هم مراتب بعد را دارا بوده به باب هفتم از واحد هشتم و دیگر آثار مراجعه شود
حدبیان	مقررات بیان
حدائق	باغها - بستانها
حدود بیان	اوامرواحکام مقرّره در بیان است
حدود هاء	حدود وپنج قطعه
حرف ذال	عدداً هفتصد می شود واشاره به رتبه پنجم توحید مذکور در باب یازدهم از واحد هشتم که لااله الا الذی ذکرشده
حرف شین	شیطان

حرف میم	اشاره به حرف آخر از بسم الله الرحمن الرحیم و امام دوازدهم محمد ابن الحسن العسکری
حروف الف	اهل انجیل
حروف بسمله	نوزده حرف بسم الله
حروف حی	هیجده نفر مؤمنین اولیه (که رجعت چهارده معصوم و چهار باب می باشند)
حروف سین و باء و	حروف بِسم که اشاره به تجلی هر حرف بعد از حرف پیش از آن است
حروف علیّین	حروف اثبات از کتاب که کنایه از مؤمنین بزرگ و اهل جنّت است
حروف وجه قرآن	اشاره به چهارده نفس مقدس چون عدد وجه چهارده می باشد
حروف وجهه بیان	اشاره به نوزده نفس که واحد هم خوانده شده اند چون عدد وجهه نوزده می باشد
حصن معروف	بیت مبارک
حطام	هیزمی که تبدیل به زغال می شود
حقیقة الثانویه	برای اینکه معمولاً حقیقت و مجاز گفته می شود بیان، حقیقت دوّم و سوم و چهارم و پنجم آورده که مراتب بعد را مرآتِ مرتبه قبل گرفته و اینکه مراتب بعد هم به حقیقت، مجلی را حکایت می نماید در مرتبه خود رجوع به باب هفدهم از واحد سوم
حلف	سوگند
حِلّی: حلاوت	شیرینی
حین بطون	موقعی که صاحب ظهور مشهود نیست
خاتم عقیق و آیه منقوشه برآن	روی نگین عقیق انگشتر آیه مذکور در باب یازده از واحد هشتم حکاکی شود با فرقی که برای مردان و زنان دارد
خَذُلان	خواری

خطوط خمس یاست یا	اشاره به پنج خط هیکل و شش خط دائره و نوزده خانه آن است.
خمر حمر	شراب قرمز - وصف تفاسیر آیات
خمس محیط بر واو	پنج خط هیکل شش خانه را تشکیل می دهد
دو الف	دو هزار بیت
دو دنو د دیگر	دو آیه نزدیک به این آیه - پستی
دوائر	لوح جنه است که شش دائره پنج خانه متساوی را متضمن و با خطوطی که از محیط دایره اوّلیه بقعر دایره وسط خانه های دوائر را بنوزده قسمت متساوی تقسیم نماید آنچه در باب دهم از واحد ششم ذکر شده در هر خانه نویسند ولی خود حضرت دائره هفتخانه به انواعی بامربع های عددی و غیره به انواعی در وسط آن نوشته است.
دون علییّن	کنایه از نار و نبودن در بهشت زیرا در همه بیان دون بجای حرف نفی آورده شده
ذات حروف السبع	از نامهای خود نقطه بیان است به مناسبت اینکه علیمحمد ع هفت حرف است
ذّر رابع	مرتبه چهارم — مقام شیعه — بابیت
ذریعهٔ	وسیله
ذکر حاء	حیوانیت
ذکر کاف	کُفر
رؤس ناکسه	سرافکنده ، شرمنده
رباع	اشاره به چهار نفری که از حیث مرتبه مقابل الله می شوند
ربح	سود
رجس	ناپاکی
رزایا	مصیبت ها

رشی	رشوه- مال حرام
رِفق	محبت
رمد افزوده	کور شده
رهبان الف	رهبانهای انجیل
ساذج	ساده - بسیط
سجن	زندان
سخط	خشم
سداس	اشاره به دو شش نفری که در مقابل دو اسم آخر بسم الله واقع می شوند که مجموعاً واحد اولیه را تشکیل می دهد
سرائر اربعه علیها تسعة عشر	چهار تختی که برای بیت مقرر شده که ۱۹ نفرهم در آنجا هستند
سِرَر	جمع سریر
سَلَف	گذشته
سنن -سنت	پیروی از رفتار مظاهرامر و سنن جمع سنت است
سِنّوره	گربه
سنه بلی	چهل و دوسالگی که بعدد حروف بلی
سوگند های مغلظه	سوگندهای سخت
شبه	مثالی که در آئینه دیده می شود
شجره اولی	نام مظهر کلّی — مجدّد
شجره توحید	نام صاحب ظهور
شجره محبت	نام صاحب ظهور
شجره مشیّت	حقیقت آورنده شریعت - مظهر کلّی

شعاع	نور پرتو
شمائل	چپ
شمس حقیقت	اسم نقطه و هر مظهر کلّی
شهداء	مرتبه بعد از مرآیا است و به کسانی اطلاق می شود که از حدود بیان تجاوز نمایند
شین اولیّه	کنایه از شیطان اولیّه و اول کسی که از ایمان خود داری کرد
صاحب انیتی اظهار انیّت خود نکند	آنها که بخود بالیده منم منم می کنند اظهار هستی خود نکنند
صامتین	سکوت کنندگان – غیر مؤمنین
صرّه	کیسه پول
صعق یوم قیامت	صعق – رعد شدید، غش نمودن – مرگ – و در اینجا کنایه از مبهوتی و غشی می باشد که از بزرگی روز ظهور پیش می آید
صعود	به جای وفات و کنایه از اینست که پس از مرگ به مقام بالا ارتفاع حاصل نماید که بهمین جهت هم به جای مرحوم مرفوع استعمال می شود
صُقع	حدّ – مرتبه
ضراء و بأساء	سختی ها
طرّاز	زینت و سرافرازی
طرازان	دارندگان زینت و اسباب سرافرازان
طرز	زینت عالی کردن
طفل رضیع	کودک شیر خوار
طمطام	دریا
طول لیل	مدت بین دو ظهور کلّی

طین الله احمد	مدفن احمد فرزند کوچک حضرت که در چهل اختران شیراز است
طین ماقُبض من النقطه	اشاره به مدفن عیال آن حضرت است
ظلال	سایه
ظهور حرف هاء	اشاره به پنج قطعه زیرست
عبدِ رِقّ	غلام خریده شده
عدد هاء	پنج
عدد اِسم رحمن	عدد ابجدی حروف رحمن دویست نود هشت می شود
عدد اسم الله الاغیث	به حساب ابجد عدد اغیث یکهزار و پانصد و یازده می شود
عدد اسم الله المستغاث	به حساب ابجد عدد مستغاث دو هزار و یک می شود
عدد اسم قدیر	سیصد و چهارده
عدد اسم هو	یازده سالگی
عدد اللّهم	یکصد و شش می شود وقتیکه نوزده مرتبه عدد اللّهم حساب می شود دو هزار چهارده می شود که به عدد احد (۱۳) مستغاث کمتر از آن است و اگر المستغاث حساب شود چون دو هزار و سی و دو می شود به عدد حی که هیجده می باشد زیاد تر خواهد شد
عدد چهار غین	چهار هزار
عدد حی	به مناسبت عدد ابجدی هجده نفر دور نقطه که آنها را رجعت محمد و علی و فاطمه و یازده امام و چهار نفر نواب اربعه در همین واحد اول ذکر و مجموع را که هجده نفر می شود حروف حی خود خواند.
عدد غیاث	یکهزار و پانصد و یازده
عدد قاف	صد مرتبه

عدد کلشیئ	سیصد و شصت و یک می شود که نوزده ضرب در نوزده باشد و در اینجا و جمله بعد که بذکر کلشیئ فرموده مراد بابهای بیانست که می بایست به این عدد آشکار شود
عدد مستغاث	دو هزار و یک
عدد واحد	۱۹ نوزده
عرش	در بیان به بدن گفته می شود رجوع شود به باب دوازده از واحد پنجم و در این مورد مراد از عرش ظهور صاحب ظهور کلّی و از عرش بطون کسانی که بعد از مجّلی حافظ آئین او هستند
عرض الف	آذربایجان
عرض خاء	خراسان
عرض میم	مازندران
عزکل ارض لله و فرد	جا های عالی از هرزمینی و عمارات بی مثل شهرها برای خدا است
عسل مصفی	عسل صاف شده - وصف جوابهای به اشخاص و تفاسیر مناجات
عظم رمیم	استخوان پوسیده
عمیاء	نابینا کور
عنا	زحمت
غشوش	بیهوشی ها
غطآء	پرده
غلّو	زیاده از حد ستودن
غمر	دریا
غَمس	فرو رفتن در آب ، غوص

غیلان	کلاغها
فئهٔ	گروه
فصل حرف حاء	هشت روز
فقاع	آب جو
فلتفدون	پس فدا کنید
الفلک	کشتی
قاف	عدد ابجدی آن صداست
قبرآخر	کسیکه شؤن دین را آموخته
قبراوّل وآخر	مدفن اسم الله الاول ملاحسین باب الباب —قدور—نازع از جهت تطابق عددی باحسین که در طبرسی واقع شده ومدفن اسم الله الآخر جناب ملامحمد علی قدوس که در بار فروش بابل فعلی واقع شده است.
قبور مرتفع مرتفع می گردد	قبور افراشته برداشته می شود
قُطن	پنبه
قُلزُم هیّاج	دریای طوفانی
قمقام	دریا
قول فاء	اشاره به فرعون
قیراط	یک بیست و چهارم دینار وکنایه از خیلی کم است
قیوم السماء	تفسیر سوره یوسف
قیوم ویوسف	هردو از حیث عدد یکصد وپنجاه شش می باشند

کاف مستدیره	اشاره به کاف کن و اول تجلی از مجلی است که در باب شانزده از واحد دوم هم تصریح شده و او بنفسه متلذذ نمی شود الاّ به مجلی خود که محل نقطه باشد و او کاف مستدیره است
کافور	خالص طیّب-رنگش سفید است و اشاره به رتبه اول ایمان
کبریت احمر	اکسیر و کنایه از چیزی است که یافت نشود
کتاب الف	انجیل
کتاب الف و تاء	انجیل تورات و زبور
کتاب قاف	قرآن
کُر	مقدار آبی که از حیث طول و عرض و عمق هریک سه وجب و نیم باشد آنچه قبل در بئر بمایقع فیه عمل می نمودند مرتفع فرموده چون همینکه چیزی از نجاسات یا حیوانی در چاه می افتاد احکامی برای تطهیرآن بوده که در بعضی احوال می بایست تمام آب چاه کشیده شود و در این باب تمام آن احکام را برداشته وآب را خواه کم یا زیاد پاک و پاک کننده مقرر فرموده مگر آنکه رنگ یا بو یا مزه آن تغییر نماید و یا نفس لطیف از استعمال آن کراهت داشته باشد
کلّ ذَکَر	هر مرد
کلب	سگ
کُنه	نهاد پنهانی
کور قرآن	اشاره به مدت جریان قرآن
کینونیت	هستی—سرشت
لاتقولن لم و بم	نگوئید برای چه و به چه جهة—چون و چرا نگوئید
لامحاله	ناگزیر
لبن لم یتغیر	شیری که مزه اش تغییر نکرده - وصف مناجات
لتضعن	بگذارید

لیل الیل	فاصله از غروب شمس بیان تا ظهور بعد است
مؤبدهً	ابدی
ما خلق عنه	عیال
ماء غیرآسن	آب تغییر نکرده - وصف آیات
ماجد	بزرگ منشی
مالم یکن له عدل	چیزهای بی مثل و مانند
مبرمهً	حتمی
متحلی	مزیّن شدن ، آراسته شدن
المثقال تسعة عشر حِمّص	یک مثقال در بیان نوزده نخود است
مجیبین	اجابت کنندگان —مؤمنین
محل شهادت کلمه	کربلا محّل شهادت حضرت حسین
محل ضرب	تبریز، خانه شیخ الاسلام که حضرت را چوب زد
مخالب	چنگالها
مَدَنی	لیموی شیرین
مدینه فاء	شیراز
مرآت الله	آئینه خدا —ازنام های خود نقطه بیان و حافظین آئین او در هرزمان که مرآت اول میرزا یحیی صبح ازل علیه بهاء ربه را مقرر فرموده و من یظهره الله جل جلاله را هم به همین نام خوانده
مرایا	متجلی شدگان از شمس حقیقت از مرتبه وصایت و مؤمنین رجوع به باب هشتم از واحد سوم
مرایا ثمانیه عشر	هیجده نفر حروف حیّ
مرحوم شیخ	شیخ احمد احسائی مؤسس شیخیه
مسبّحین و مقدسین و	مراتب توحید و اشاره به مؤمنین بزرگ است

مستجنه در نار است نه	پنهان شده در نار است نه اشکار
مُسک	عطر
مسوده	صفت مفعولی به معنی رو سیاه
مشیئت و اراده و قدر و قضا و اذن و اجل و	هفت مرتبه خلقت و ایمان که در باب دوم از واحد هشتم هم تصریح شده ازآنجائیکه مراتب توحید در هر هفت حرف تام می گردد
مشیت	صاحب ظهور کلی که در قرآن محمد ص و در بیان ذات حروف سبع است رجوع به باب ششم ازواحد سوّم
مشیّت	خواستن و اشاره بمظهر کلّی
مشیت اوّلیه	اشاره باوّل تجلی و مظهر کلی است که مجدد می شود در هر دور
مصیبت اوّل وآخر	مصائب ملا حسین باب الباب و ملا محمد علی قدوس
مطرّز	زینت شده — سرافراز
مظاهر باء	اشاره به بنات و خانمها
مظاهر تسعة عشر	نوزده نفر که آنها را واحد خوانده
مظاهر تکبیر و تهلیل و	چهار مرتبه توحید است که مؤمنین بزرگ را مظاهرآن مقرر داشته
مظهر تکبیر	اشاره به مقام شیعه و جناب باب الباب
مُغْتَرّ	گول خوردن
مغتوص	فرو رفتن (در دریاهای توحید)
مغلق	پیچیــده
مقاعد المرتفعه	جایگاه هائیکه قبّه های افراشته دارد
مقام اراده	کسیکه از مشیّت حاکی است که در اسلام امیرالمؤمنین به ولایت کلیه و در بیان صبح ازل به مرآتیت کلیه معرفی شده اند

مقام عرش حقیقت	متجلی شده از حقیقت وحکایت کردن از مجلی
مقضیه	گذشته
مقضّیه	پسندیده
مقعد	جایگاه
مَقنوط	نا امید
ممتحن	آزمایش شده
من ظهر	کسیکه ظاهر شد- مراد آورنده بیان است
من یظهره الله	کسیکه آشکار می کند اورا خدا- موعود بیان
منتهی الیه سیر او	آخر لحظه سالهای شمسی چون دوازده ماه اوّل آن حمل وآخرآن حوت نامیده می شد
مندیل	دستمال
منصعق	بی هوش
منغمس	فرو بردن —غرق کردن
منفطر گشتن	از هم پاشیده شدن
میاه	آبها
میم	حضرت موسی چون در بیان بطور کلّی در اشاره باسماء حروف اوّل آورده شده مگر جائی که اشتباه می شده است
نارالله، هواء ازل ،ماء توحید،تراب	چهار مرتبه توحید وعرفان و اعداد ذکرشده برای هرمرتبه به رعایت اعداد حروف چهار کلمه بسم الله الامنع الاقدس است و دقت در این باب لطافت توحید و عرفان را می فهماند
نازل بفناء بیان	فناء ساحت جلو خانه است کنایه از ورود در آستانه بیان
ناظر بوجه خامس	اشاره به کشنده حضرت حسین است
قناع	پرده

نجوم انجلیه	دانشمندان حقه از اهل انجیل
نبت منقطعه	نبت بریده شده که تشبیه به شاخه جدا شده درخت است
نسمهٔ	نسیم
نفی	اشاره به لا اله و غیرمؤمن به بیان
نفی نفی	اجتناب از دون مؤمن
نقطة القرآن	محمد ص
نقطه	مرکز دایره محیطه که در بیان خود حضرتست
نقطه اول	از نام های خود منزل بیانست
نقطه باء	در بیان اشاره بمجلی بیان
نقطه بیان	از نام های منزل بیانست
نقطه تحویل حمل	اولین لحظه سالهای شمسی
نهب	غارت
نیّر اعظم	خورشید و در این مورد اشاره به من یظهره الله است
نیران	آتش
و (واو)	شش
وابیاناه	در مقام ندبه و فریادرسی خواستن از بیان که گفته شود ای بیان کجائی به فریادرس
واحد	یگانه - عدداً ١٩
واحد اول	به مناسبت عدد ابجدی حروف واحد که نوزده می باشد مراد هیجده نفر مؤمنین اولیه متجلی شده از نقطه مرکز که با خود حضرت نوزده می شود
واحد بلا عدد	اشاره بغیب نقطه
وافد	وارد شونده

واو حافظ هاء	در لوح جنه شش دائره پنج خانه را تشکیل می دهد
ورق الزقوم	تنباکو و توتون
وفود	وارد شدن
وُقر	:بستن گوش تا صدا را نشنوند
ه (هاء)	پنج
هباء منثورا	غبار پراکنده
هبط	پستی- پائین آمدن –کم شدن –نقصان
هر الفی مأة برداشته	از هر هزاری صد برداشته که یک دهم می شود
هر چه دنو کنند	کنایه از ستودن به کمتر از حد آن ها است
هزار بیت	هزار سطر و مقدار هر سطر را بی اعراب سی حرف و با اینکه اعراب هم جزو حروف شماره شود چهل حرف تعیین نموده رجوع به باب اوّل از واحد ششم
هفت اللهم که بر حروف رتبه ثالث توحید گذرد رتبه خامس ظاهر می گردد	حضرت ثمره جواب داده اند در شأن ظهور است در این ایام تطبیق به ظاهر نمی شود
هیج	پست ، ناچیز
هندسه	علم به تعیین مقدار ها است از حیث اندازه گیری
هیکل	اینست در این شکل که ظاهرش پنج خط و باطنش شش خانه و نمایانده سر و دو دست و دو پای انسان است از آیات و ادعیه وارده نوشته شود
الی الزوال	وقتی که خورشید از بالای سر بگذرد – ظُهر

یرفع	برداشته می شود اگر اذن بر ارتفاع فرماید مرتفع —اگر اذن به برداشتن فرماید برداشته می شود
یوم قیامت	از وقت ظهور شجرهٔ حقیقت تا غروب آن

توضیحات عمومی

دائره معروفه لوح جنه: در نوزده خانه است که هر دایره آن بشرحی که دستور است نوشته شود که دستور نوشتن هفت دائره را خود حضرت مفصلاً در جای، دیگر نوشته و برای اسماء دائره چون در لوح هفت دایره این شکل در دائره سوّم و اشکالی که اولی آن اینست و بقیه با تغییراتی در دائره چهارم نوشته شده و هر دو شکل در پنج دائره وارد از امیر المومنین هم بوده هر دو ذکر شد

حروف ابجد:

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	
۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰